

تعزیه

۱. تعزیه اهل میت، یعنی توصیه نمودن آنان به صبر و پاداش الهی کار مشروعی است. در این باره دو حدیث وجود دارد:

اول: قره مزنی رضی الله عنه می گوید:

هر گاه رسول الله صلی الله علیه و سلم در مجلس و محفلی می نشست، عده ای از یارانش پیرامون ایشان گرد می آمدند. و از میان آنان شخصی بود که پسری خردسال داشت و او نیز پشت سر پدرش می آمد و پدرش او را در جلو خود می نشانید. رسول الله صلی الله علیه و سلم از پدرش پرسید: او را دوست داری؟ آن مرد گفت: ای رسول الله صلی الله علیه و سلم خداوند تو را محبوب کند، آنطور که او را محبوب کرده است. پسرک بعد از مدتی فوت کرد. پدرش نیز به دلیل خاطراتی که از او داشت و در صورت آمدن به مجلس رسول الله صلی الله علیه و سلم یاد آنها تازه و باعث نگرانی او می شد، از حضور در محفل رسول الله صلی الله علیه و سلم خودداری کرد. بعد از اینکه رسول الله صلی الله علیه و سلم چند روزی او را نیافت، فرمود: چه اتفاقی برای فلانی افتاده است؟ گفتند: ای پیامبر خدا صلی الله علیه و سلم فرزندش فوت کرده است. بعد رسول صلی الله علیه و سلم آن مرد را دید و درباره پسرش سوال کرد. وی خبر درگذشت پسرش را به اطلاع رسول الله صلی الله علیه و سلم رسانید. رسول الله صلی الله علیه و سلم به او تسلیت گفت و فرمود: آیا بهتر بود که در زندگی دنیا از پسرت استفاده می کردی یا اینکه فردا وقتی به دروازه بهشت می رسی پسرت را در حالی ببینی که زودتر از تو وارد بهشت شده و درب بهشت را برایت باز کرده است؟ آن مرد گفت: همین را که او قبل از من به دروازه بهشت برسد و برای ورود من درب را باز کند. رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود: پس شما به آن دست یافته ای. مردی از انصار سوال کرد: ای رسول الله صلی الله علیه و سلم (فدایت بروم) این مژده ویژه او یا برای همه است؟ فرمود: برای همه است. (نسائی (296/1) حاکم (348/1) احمد (35/5) و ابن حبان.)

دوم: انس بن مالک رضی الله عنه می گوید:

رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود: هر کس برادر مومن و مسلمانش را در مصیبتی تعزیت گوید، خداوند روز قیامت لباس سبزی بر تن او می کند که دیگران به حال او غبطه می خورند. (خطیب در تاریخ بغداد (164/4) ابن عساکر در تاریخ دمشق و ابن عدی در «الکامل».)

۲. اهل میت را به گونه ای تعزیت گوید که غم آنان را بزداید و موجب تسلی خاطر آنان بشود. و اگر شیوه های منقول از رسول الله صلی

الله علیه و سلم را نمی داند با هرگونه سخن زیبا و تسلی بخش که مخالف شرع نباشد و در راستای تحقق صبر و خرسندی اهل میت باشد، آنان را تعزیت و تسلیت گوید و در این باره احادیث و روایاتی بشرح زیر آمده است:

الف- از اسامه بن زید رضی الله عنه روایت است که یکی از دختران رسول الله صلی الله علیه و سلم قاصدی فرستاد که کودکش (پسر یا دختر و در بعضی روایات امیمه دختر زینب) در حال مردن است و از رسول الله صلی الله علیه و سلم خواست تا تشریف بیاورد. رسول الله صلی الله علیه و سلم به قاصد فرمود: از طرف من به دخترم سلام برسان و بگو:

«إِنَّ اللَّهَ مَا أَخَذَ وَ لِلَّهِ مَا أُعْطِيَ»

(از آن خداوند است آنچه که می ستاند و آنچه که می دهد).

«و كل شيء عنده إلى أجل مسمى فلتصبروا لثقتسب»

(و هر چیز نزد او مدت مشخصی دارد ، باید صبر را پیشه کنی و امید اجر و پاداش داشته باشی).

راوی حدیث می گوید: دختر گرامی رسول الله صلی الله علیه و سلم بار دوم قاصدی فرستاد و رسول الله صلی الله علیه و سلم را سوگند داد تا حتماً تشریف بیاورد. آنگاه رسول الله صلی الله علیه و سلم بلند شد و ما نیز در رکاب ایشان حرکت کردیم. (وارد خانه دخت گرامی رسول الله صلی الله علیه و سلم شدیم) کودک در حالی که نفسش خُر خُر می کرد نزد رسول الله صلی الله علیه و سلم آورده شد. سعد بن عباده ، معاذ بن جبل و ابی بن کعب و به گمانم زید بن ثابت، از جمله حضار بودند. اشک های رسول الله صلی الله علیه و سلم سرازیر شد. سعد پرسید، ای رسول خدا! شما نیز گریه می کنید؟ رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود: این ترحمی است که خداوند در دل بندگانش گذاشته است و خدا به آنانی که رحم دارند، رحم می کند. (بخاری (123-120/3)، مسلم (39/3)، ابو داود و نسائی، ابن ماجه، بیهقی و احمد.) توجه: این نوه رسول الله صلی الله علیه و سلم که امیمه نام داشت زنده ماند و به (امامه) معروف شد که بعد ها علی پس از درگذشت فاطمه با وی ازدواج کرد.

این الفاظ «الله ما أخذ و له ما أعطی» را اگر چه رسول الله صلی الله علیه و سلم در حق کسی که نزدیک مرگ بود فرمود ولی بهتر است این کلمات در حق کسی که فوت کرده گفته شود. روی همین اصل، امام نووی در «الاذکار» می گوید: «و هذا الحدیث احسن ما یعزی به» آنچه که در این حدیث آمده است، بهترین سخن تعزیت است.

ب- بریده بن الحصبیب رضی الله عنه می گوید:

«رسول الله صلی الله علیه و سلم با انصار رفت و آمد می کرد و از آنان عیادت می کرد و جویای احوال آنان بود. به رسول الله صلی الله علیه و سلم خبر رسید که یگانه فرزند یک زن انصاری فوت کرده است. مادرش فوق العاده دچار پریشانی و ناراحتی است. رسول الله صلی الله علیه و سلم با تنی چند از یارانش، نزد او رفت. وقتی آنحضرت درب منزل آن زن رسید، به او خبر دادند که رسول الله صلی الله علیه و سلم جهت تعزیت تشریف آورده است. رسول الله صلی الله علیه و سلم وارد منزل شد و فرمود: به من خبر رسیده که تو برای رفتن فرزندت صبر و حوصله را از دست داده ای. سپس رسول الله صلی الله علیه و سلم آن زن را به صبر و اجتناب از هرگونه حرکت خلاف شرع توصیه کرد. آن زن گفت: ای رسول الله صلی الله علیه و سلم چرا من بی صبوری نشان ندهم، من زن بی اولاد و نازایی هستم و فرزند دیگری ندارم. رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود: نا امید از اولاد کسی است که خودش فوت کند و فرزندش بماند. بعد فرمود: هر (مسلمان) زن یا مردی که سه فرزند او فوت شود و صبر نماید و امید ثواب از خدا داشته باشد، خداوند او را وارد بهشت می سازد. عمر رضی الله عنه که سمت راست رسول الله صلی الله علیه و سلم نشسته بود، عرض کرد اگر دو فرزند فوت شود چی؟ رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود: دو فرزند نیز همین طور است. (حاکم (348/1) مطابق با شرایط مسلم و بزار (857).)

ج- رسول الله صلی الله علیه و سلم بعد از وفات ابو سلمه نزد ام سلمه رفت و فرمود:

«اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِأَبِي سَلَمَةَ وَارْفَعْ دَرَجَتَهُ فِي الْمَهْدِيِّينَ وَاخْلُفْهُ فِي عَقِبِهِ فِي الْعَابِرِينَ وَاغْفِرْ لَنَا وَلَهُ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ وَأَفْسَحْ لَهُ فِي قَبْرِهِ وَتَوَزَّرْ لَهُ فِيهِ»¹

ترجمه: پروردگارا! ابو سلمه را رحمت کن و در میان هدایت یافتگان درجه اش را متعالی بگردان و جانشین صالحی در میان بازماندگانش قرار ده، ای پروردگار جهانیان! ما و او را مورد مغفرت قرار بده و مرفدش را وسیع و منور بفرما. (صحیح مسلم)

د- همچنین رسول الله صلی الله علیه و سلم پس از شهادت جعفر به فرزندش چنین تسلیت گفت:
پروردگارا! جانشینی برای جعفر در خانواده اش قرار ده و در کارهای عبدالله خیر و برکت عطا کن.
در مورد تعزیت احادیث دیگری نیز آمده است که بنده بخاطر ضعیف بودنشان از ذکر آنها خودداری کردم.

۳. تعزیت گفتن محدود به سه روز نیست. طوری که بعد از سه روز تعزیت گفته نشود. بلکه هرگاه مناسب دیده شد، تعزیت گفته شود. از رسول الله صلی الله علیه و سلم ثابت است که بعد از سه روز نیز تعزیت گفته است. در حدیث عبدالله بن جعفر رضی الله عنه آمده است که رسول الله صلی الله علیه و سلم لشکری را به فرماندهی زید بن حارثه اعزام کرد و فرمود: اگر زید کشته شد، فرماندهی را جعفر رضی الله عنه بر عهده بگیرد. و اگر او کشته شد، فرماندهی لشکر را عبدالله بن رواحه به عهده گیرد. آتش جنگ شعله ور گردید. زید، جعفر و عبدالله بن رواحه به ترتیب به شهادت رسیدند. در پایان، فرماندهی لشکر را خالد بن ولید بدست گرفت و پیروزی نصیب سپاه اسلام شد. جریان به شهادت رسیدن فرماندهان و پیروزی سپاه اسلام به اطلاع رسول الله صلی الله علیه و سلم رسید. رسول الله صلی الله علیه و سلم مردم را جمع کرد و پس از حمد و ثنای خدا، فرمود: همانا برادران شما با دشمن پیکار کرده اند. زید، جعفر و عبدالله بن رواحه به ترتیب به شهادت رسیده اند و سپس یکی از شمشیرهای خدا فرماندهی لشکر را به عهده گرفته و پیروزی نصیب سپاه اسلام شده است. رسول الله صلی الله علیه و سلم نزد بازماندگان جعفر رضی الله عنه نرفت تا اینکه سه روز سپری شد. سپس نزد آنان رفت و فرمود: بعد از این برای برادرم (جعفر رضی الله عنه) گریه نکنید. و فرمود: برادر زادگانم را بیاورید. عبدالله می گوید: ما دو برادر (عبدالله و محمد) در حالی که مانند جوجه خردسال بودیم، نزد رسول الله صلی الله علیه و سلم آورده شدیم. رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود: حلاق را بطلبید. حلاق آمد و موهای سر ما را اصلاح کرد. سپس فرمود: محمد شبیه عمویم، ابو طالب است و عبدالله در صورت و سیرت با من مشابهت دارد. سپس دست مرا گرفت و آن را تکان داد و فرمود: پروردگارا برای جعفر جانشینی در خانواده اش قرار ده، و عبدالله را در کارهایش موفق و مؤید بگردان. (این جمله را سه مرتبه تکرار کرد) عبدالله می گوید: سپس مادرم نزد رسول الله صلی الله علیه و سلم آمد و درباره سرپرستی و یتیمی ما اظهار نگرانی کرد و ناراحتی خود را با رسول الله صلی الله علیه و سلم در میان گذاشت. رسول الله صلی الله علیه و سلم خطاب به او فرمود: تو از تنگ دستی آنان احساس خطر می کنی! در حالی که من در دنیا و آخرت سرپرستی آنان را به عهده دارم؟!^۲

بنابراین، حدیث ما معتقد به محدود ساختن ایام تعزیه به سه روز نیستیم. و این قول تعدادی از شاگردان امام احمد و طبق روایتی قول امام شافعی است. زیرا هدف عرض تسلیت، دعا و تشویق به صبر است و این نیاز به محدودیت زمانی ندارد. در این مورد به «المجموع» نویی مراجعه شود.

۴. از دو چیز بشدت باید اجتناب کرد، هر چند که مردم پای بند آن هستند:

(الف) تجمع در یک جای مخصوص، مانند خانه، قبرستان یا مسجد برای عرض تسلیت.

(ب) درست نمودن غذا توسط اهل میت برای تعزیت کنندگان.

در این مورد حدیثی آمده است. جریر بن عبدالله بجلی می گوید:

«كُنَّا نَعْدُو (و فی روایة نری) الاجْتِمَاعَ إِلَى اَهْلِ الْمَيِّتِ وَصَنِيعَةَ الطَّعَامِ بَعْدَ دَفْنِهِ مِنَ النَّيَاحَةِ» (احمد، شماره 6905) ابن ماجه (490) صحیح علی شرط شیخین.)
(تجمع در خانه اهل میت و درست کردن طعام بعد از دفن را ، نوعی نوحه (ممنوع) می دانستیم).
امام نووی در (۳۰۶/۵) المجموع می گوید:

امام شافعی و مولف (شیرازی) و سایر اصحاب تصریح کرده اند که نشستن در یک خانه و تجمع در مکان خاص برای تعزیت گفتن، مکروه است. بلکه بهتر است که اولیای میت دنبال کارهای خود بروند و هر کس در هر کجا یکی از آنان را ببیند، تعزیت گوید. کراهیت اجتماع در محل مخصوص برای زنان و مردان یکسان است.

۵. سنت است که خویشاوندان و همسایگان، برای اهل میت غذا درست کنند. چنانکه در روایت عبدالله بن جعفر رضی الله عنه آمده است: پس از آنکه خبر شهادت جعفر رسید، رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود: برای فرزندان جعفر طعام درست کنید. زیرا آنان با مشکلی مواجه شده اند که فرصت تهیه غذا را ندارند. (بوداود (59/2) ترمذی (143/2) ابن ماجه (490/1). شافعی در «الأم» دارقطنی، حاکم، بیهقی و احمد.)
بنابراین عایشه دستور می داد که نوعی غذای محلی برای بیمار و تمامی کسانی که به مصیبتی گرفتار شده بودند تدارک ببینند. (بخاری و مسلم)
همچنین امام شافعی می گوید: من دوست دارم که همسایگان و خویشاوندان میت برای اهل میت تا یک شبانه روز غذا تهیه بکنند. این هم سنت است و هم عمل نیک و خیر خواهانه ای است که پیشینیان به آن عمل کرده اند. (الام: ۱/۲۴۷).

۶. مسح کردن و دست کشیدن بر سر یتیم و اکرام آنان مستحب است. در روایت عبدالله بن جعفر آمده است که می گوید: من وقتم و عبید الله ، پسران عباس، وقتی کودک بودیم با هم بازی می کردیم. روزی رسول الله صلی الله علیه و سلم که سوار حیوانی بود از کنار ما رد شد و به طرف من اشاره نمود و فرمود: او را نزد من بیاورید، مرا جلوی خود سوار کرد. سپس به طرف قتم اشاره کرد و فرمود: او را نزد من بیاورید، و او را پشت سر خود سوار کرد. گرچه عباس رضی الله عنه عبیدالله را بیش از قتم دوست داشت، اما رسول الله صلی الله علیه و سلم تردیدی نداشت در اینکه قتم را با خود سوار کند و عبیدالله را به حال خود ، پیاده بگذارد. عبدالله بن جعفر می گوید: رسول الله صلی الله علیه و سلم سه بار دست مبارکش را بر سر من کشید و هرگاه که سرم را مسح می کرد، می فرمود: پروردگارا در فرزندان جعفر جانیشینی برای او قرار ده. (احمد (1760) حاکم (372/1) بیهقی (60/4) .)

telegram.me/ahkamjanayezqeshm